



## نیازی به لشکرکشی خیابانی نیست

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری این هفته در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت فیلترینگ و نیز برگزاری تجمعی در این زمینه برای مخالفان رفع فیلتر و طرح این موضوع که آیا موافقان رفع فیلتر نیز امکان برگزاری تجمع خواهند داشت یا نه؟ گفت: «این صدا شنیده شده است. مراحل انجام آن در حال اقدام است. دولت به اندازه همه کسانی که می‌خواهند برای [رفع] فیلترینگ راهپیمایی کنند، پیگیر موضوع است و نیازی به راهپیمایی و به نوعی لشکرکشی‌های خیابانی نیست و ما پیگیر مطالبات مردم هستیم.»

## فرقی ندارد چه کسی رئیس جمهور آمریکا شود

مهاجرانی در پاسخ به سؤالی درباره موضع ایران در خصوص برنده انتخابات آمریکا گفت: «موضوع این انتخابات به مردم آمریکا مربوط است و برای ما هیچ فرقی نمی‌کند که کدام یک از این دو کاندیدا در ایالات متحده رای بیاورند. رویکرد ما احترام به حاکمیت ملی است.» او ادامه داد: «امیدوار هستیم هر کدام از این دو کاندیدا که رای آورند و مورد پذیرش مردم آمریکا قرار گرفتند سیاست‌های قبلی را اصلاح کنند، به حاکمیت ملی سایر کشورها احترام بگذارند و از اقدامات تنش‌آفرینی که طی این سال‌ها شاهد آن بودیم پرهیز کنند زیرا این موضوع به نفع مردم آنهاست. هر زمانی که آمریکا تنش خود را در مناطق افزایش داده ضرر آن را خودش دیده است، جنگ ویتنام یکی از نمونه‌ها است که منجر به اتفاقات سنگینی در داخل خود آمریکا شد.»

## آغاز دیوارکشی در مرزهای شرقی

سخنگوی دولت در پاسخ به سؤالی درباره موضع اتباع غیرمجاز گفت: «موضوع اتباع موضوعی است که در کل دنیا به عنوان یک موضوع پذیرفته‌شده با آن برخورد می‌شود، وقتی ما موضوعی را می‌پذیریم یعنی اینکه برای آن سازوکار ایجاد می‌کنیم و نهاد و سازمانی را متولی امور آن می‌دانیم و بعد مجاز را از غیرمجاز تفکیک می‌کنیم.» وی ادامه داد: «جابه‌جایی انسان‌ها در کل کره زمین موضوع مهمی است و افرادی هستند که قاچاقچی انسان می‌شوند یعنی کمک می‌کنند افراد به صورت غیرمجاز جابه‌جا شوند، وزارت کشور به عنوان سازمان متولی امور اتباع برنامه‌هایی را برای مدیریت امور اتباع کشور دارد.» مهاجرانی گفت: «شناسایی اتباع مجاز و قانونی که افراد بسیار شریفی هستند مهم است، در میان این عزیزان شاعر و محقق، مهندس و سرمایه‌گذار داریم و افرادی را هم داریم که غیرمجاز هستند، نسبت این‌ها با هم نسبت معناداری نیست، نسبت اتباع غیرمجاز ما به مراتب از نسبت اتباع مجازمان بیشتر است و به همین دلیل وزیر کشور در حال ساماندهی افراد و به عبارتی خارج کردن اتباع غیرمجاز و دیوارکشی در مرز هستند.»

## سیاست تنش‌زدایی و کاهش تهدیدات

مهاجرانی در پاسخ به سؤالی درباره رویکرد دیپلماسی دولت اظهار داشت: «پزشکیان در روز تحلیف خود با شهید هنیه همراه بود و ما شاهد بودیم که روز بعد از تحلیف ایشان مورد ترور قرار گرفت.» وی با بیان اینکه فضای منطقه فضای متشنجی است، اظهار داشت: «دلیل این موضوع زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی است، این رژیم به جهت اینکه نتوانسته در جبهه جنگ مقابل دلیر مردان غزه و لبنان پیروزی کسب کند شروع به افزایش تنش در مناطق می‌کند.» وی افزود: «سیاست ایران تنش‌زدایی و کاهش تهدیدات است، ملت ایران هیچ‌وقت جنگ‌طلب نبوده و صلح‌طلب است، مردم ایران هنوز زخم‌های دفرول و خرمشهر و سردشت را بر تن دارند، ایران کشوری بود که مورد بمباران شیمیایی قرار گرفت. ایران هیچ‌وقت تنش‌زدایی نمی‌کند بلکه تنش‌زدایی می‌کند ایران کشوری است که به شدت دنبال صلح است. وزیر خارجه پرکار ما هم به‌دنبال همین موضوع است و سعی می‌کند مواضع ایران را به‌درستی تبیین کند و تهدیدات را به حداقل برساند.»

## به انتخاب استاندار زن خوشبین

وی در مورد انتصاب بانوان به عنوان استاندار گفت: «تاکنون ۲۷ زن در مناصب مدیریتی جای گرفتند، برای نخستین بار است که در کابینه ۴ زن حضور دارند.» مهاجرانی با تأکید بر اینکه شاهد حضور اولین‌ها در این دولت هستیم، اظهار داشت: «در دنیا چهار وزیر راه و ترابری از زنان هستند که یکی از آن‌ها خانم صادق مالوآورد است، امیدواریم پس از انتصاب استانداران شاهد حضور بیشتر زنان در مناصب مدیریتی باشیم، من به انتخاب استاندار زن خوشبین هستم.»

# مفهوم قوم در اصل ۱۵ قانونی اساسی



حمید هوشنگی

هویت‌پژوه و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق

اصل ۱۵ قانون اساسی اصل مظلوم و مغفولی است و تفسیرهای غلط و ناصحیح و ناصوابی به آن تحمیل شده است. قانون اساسی یک مقدمه و چند فصل دارد و هر یک از فصول معنایی دارند یعنی قانونگذار آگاهانه نسبت به این فصول توجه داشته و هر اصلی بنا بر یک دلیلی در فصل خود گنجانده شده است. فصل دوم از اصل ۱۵ تا فصل ۱۸ در مورد زبان و خط و پرچم

رسمی کشور است. وقتی اصل ۱۵ در اصول شکلی قانون اساسی آمده یعنی قانونگذار تصویر و نمای بیرونی و ظاهری جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. بنابراین اصل ۱۵ در فصل حقوق ملت قانون اساسی نیامده است و مسئله اصلی جایگاه زبان فارسی است. این کلمات به دقت چیده شده است.

اتفاقاً باید در مورد نقش زبان فارسی در تقویت فرهنگ و هویت اقوام بحث کرد یعنی زبان فارسی عامل تقویت هویت‌های محلی است. الان شه‌ریار را کل ایران می‌شناسند شه‌ریار اگر شعر فارسی نداشت فقط شعرهای آذری می‌داشت آیا کل مردم ایران که سهل است، کل مردم دنیا او را می‌شناختند؟ برخی از آداب و رسوم و فرهنگ‌ها و ارزش‌های گروه‌های زبانی در کشور به واسطه زبان فارسی منتشر شده است.

اینکه قانونگذار اراده کرده زبان فارسی را زبان مشترک مردم ایران قرار بدهد آیا اصل جدیدی را جعل می‌کند یا فقط خبر می‌دهد؟ امر موجود را که جعل

نمی‌کنند از امر موجود خبر می‌دهند. تفاوت این دو بسیار است که بگوییم زبان فارسی زبان مشترک مردم ایران بوده، یعنی همه کسانی که در این جغرافیای سرزمینی از گذشته تا حال زندگی کرده‌اند زبان فارسی را می‌فهمیدند و تکلم می‌کردند و ارتباط می‌گرفتند یعنی زبان تحمیلی نبوده یا اینکه ما اکنون اراده کردیم زبان فارسی زبان رسمی و مشترک باشد.

وقتی قانونگذار وارد مسئله قانون گذاری شده و عبارت زبان‌های محلی در مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح شده، نماینده ارامنه مطرح می‌کند که ما محل نداریم و در شمال غرب و تهران و اصفهان پراکنده هستیم. شهید بهشتی می‌پرسد چه کنیم تا مشکل حل شود؟ نماینده ارامنه می‌گوید عبارت قومی هم اضافه شود. چرا که اقلیت‌های دینی رسمی در ایران یعنی ارامنه و آشوری‌ها و کلیه‌ها قوم هستند و در عین حال دین جدایی هم دارند و از این جهت کلمه قومی به اصل ۱۵ قانون اساسی اضافه می‌شود. بنابر اینکه ما این کلمه قومی را دلالت به اقوام ایرانی بدهیم غلط است. در مورد ادبیات محلی هم همه شهرها و مناطق ادبیات محلی جداگانه‌ای دارند و اینکه به یکی از اینها هویت قومی واحد برای زنجان و اردبیل و تبریز و ارومیه قائل شویم نادرست است. در مورد کردی هم آیا کردهای کرمانجی کردی سنجندگی و کردی سورانی و... را متوجه می‌شوند؟ بنابراین استفاده از عبارت زبان محلی دقیق‌تر است.

## واکای حقوقی و تاریخی اصل ۱۵ قانون اساسی

# زبان رسمی دغدغه سیاسی یا فرهنگی؟

سومین نشست واکای حقوقی و تاریخی اصل ۱۵ قانون اساسی روز چهارشنبه دوم آبان ماه توسط موسسه تاریخ و فرهنگ دیارکهن با همکاری دانشگاه علامه طباطبایی

قانون اساسی و هم متمم قانون اساسی و هم فرمان مشروطیت و کلیه فرامین قانونی و کلیه قوانینی که در دوره اول مجلس شورای ملی تدوین می‌شود به زبان فارسی است؛ یعنی به عنوان یک اصل بدیهی مورد پذیرش بوده که زبان ملی کشور زبان فارسی است. در همان دوره روزنامه‌ها به زبان فارسی منتشر می‌شوند و در ضمن آزادی انتشار به زبان‌های محلی هم وجود داشته؛ یعنی این چیزی که ۷۰ سال بعد در اصل ۱۵ بازتاب پیدا می‌کند در صدر مشروطه در عمل بوده است. زبان مشترک و رسمی و اداری و دیوانی فارسی بوده. زبان مطبوعات هم عمدتاً فارسی بوده اما استفاده از زبان‌های محلی هم در مطبوعات آزاد بوده است. در ارومیه نشریاتی مانند «فریاد»، «اتفاق» و «فروردین»، در خوی نشریاتی مانند «نجات»، «مکافات»، «اصلاح»، «شفق» و «ندای حق» و «کارگر» و در اردبیل نشریه‌ای به نام «برگ سبز» به فارسی منتشر می‌شد. در کنار این‌ها، نشریاتی مانند «فریاد»، «خبراندیش وطن» به زبان ترکی منتشر می‌شدند و نشریاتی به زبان‌های ارمنی و گلدانی و کردی هم داشتیم. در همان دوره صدر مشروطه بحث برنامه نظام آموزشی مطرح می‌شود که آیا اصولاً نظام آموزشی داشته باشیم یا نه؟ برخی از نمایندگان نگاه‌شان این بود که اساساً ما نباید نظام آموزشی داشته باشیم چون یک اجباری به وجود خواهد آمد و این با اصول قانون اساسی در مورد آزادی آموزش منافات دارد؛ مثلاً تقی‌زاده و فروغی این نظر را داشتند که اصلاً ما برنامه نظام آموزشی نداشته باشیم و همینطور آزاد باشد که هر مدرسه‌ای خودش برنامه آموزشی اجرا کند و نگاه دیگر این بود که نظام آموزشی یکپارچه و یکنواخت داشته باشیم و در این راستا این نگاه دوم تفوق پیدا کرد و قانونی به نام قانون اساسی معارف در نهم عقرب ۱۲۹۰ یعنی نهم آبان ۱۲۹۰ در دوره دوم مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در این قانون اساسی مدارس هم باز اشاره‌ای نشد که زبان آموزشی چه زبانی باشد باز چون برای همه بدیهی بود که باید زبان فارسی باشد. اما خود قانون معارف به فارسی نوشته شد. یک حافظ ابهام پیش آمد که آموزش طب در ایران به زبان فارسی باشد یا فرانسه! به دلیل اینکه منابع آموزشی طب و پزشکی در ایران در آن زمان فقط به فرانسه بود. در اینجاست که باز مشخص می‌شود مراد مقنن از تصویب قانون اساسی معارف این بوده که نظام آموزشی به فارسی باشد و اینقدر این را بدیهی می‌دانسته که نیاز به تصریح نداشته است. چرا که در مورد طب بحث می‌شود. فروغی می‌گوید: «در اینکه زبان ملی و زبان وطنی باید ترقی بکند و زبان علمی بشود حرفی نیست و برای این کار هم البته باید کلیه معارف خواهان وطن زحمت بکشند که زبان فارسی ترقی کند و زبان علمی کاملی شود؛ اینکه می‌گویند که طبیب باید زبان فرانسه را بداند نه از بابت این است که ما زبان فرانسه را مقدم و مرجع می‌داریم بر زبان فارسی، بلکه برای این است که ما امروزه محتاج هستیم ولی بعد از اینکه محصلین ما عالم شدند و به درجه علمی رسیدند تالیفات و تصنیفات خواهند کرد حوزه‌های علمیه دایر خواهند شد و

# دغدغه زبان محلی و خاستگاه آن

چیزی که از منظر فرهنگی و هویتی در ایران می‌تواند مهم باشد حفظ زبان و گویش‌هایی است که تعداد گویشوران‌شان بسیار کم شده و در معرض خطر انقراض است. اما درست برعکس درباره ادعای قوم‌گرایان اصلاً ناپودی این زبان‌های محلی و قومی و زبان‌های باستانی در معرض خطر انقراض، برایشان اهمیتی ندارد؛ چیزی که برای قوم‌گرایان اهمیت دارد زبان‌هایی است که به هیچ وجه در معرض خطر انقراض نیستند. زبان ترکی آذربایجانی و کردی و لری اصلاً در معرض خطر انقراض نیستند و جایگاه‌شان با توجه به تعداد جمعیت متکلم به‌طور طبیعی و بدیهی محفوظ و تثبیت شده است. با این مقدمه به این نتیجه می‌رسیم که مسئله مطالبه زبان مادری در ایران دغدغه فرهنگی و هویتی ندارد؛ دغدغه‌ای که پشت این ادعاها هست دغدغه سیاسی برای اثبات مدعا‌هایی سیاسی است.

زبان فارسی از ابتدا زبان ملی ادبی و مشترک در ایران بوده؛ بدین معنا که هیچ قوم و هیچ حکومت و هیچ قدرت سیاسی تلاش نکرده این زبان را به وجود بیاورد یا آن را گسترش بدهد؛ اتفاقاً زبان فارسی در زمانی پیدا شده که ایران فاقد حکومت مرکزی بوده و ایران تحت خلافت اشغال بوده و زبان رسمی حکومت‌ها هم عربی بوده است و بعد هم در ادامه در دورانی که سلسله‌های ترک‌زبان در ایران حاکم بودند و در چنین شرایطی تبدیل به زبان مشترک ایرانیان شده است. افرادی مثل اسدی طوسی، قطران تبریزی، سیدحسن غزنوی و... در این راستا تلاش می‌کنند. در شرایطی که حکومت مرکزی نبوده و حکومت‌های محلی بودند اکثر این حکومت‌های محلی هم عرب‌تبار و ترک‌تبار بودند، زبان فارسی به‌طور خودجوش و با اراده ایرانیان و با تلاش ادبای ایرانی تبدیل به زبان مشترک و فراگیر در ایران شد و به‌عنوان زبان دیوانی همواره مورد استفاده بود و این وضعیت تا زمان قاجاریه هم هست و با شروع آموزش نوین در ایران که پیش از مشروطه شروع می‌شود و پیشگام این آموزش نوین میرزا حسن رشديه که خودش آذربایجانی است، باز هم زبان فارسی به عنوان زبان آموزشی در ایران مورد تأکید قرار می‌گیرد و زبان آموزش و پرورش مدرن و نوین در ایران می‌شود بدون اینکه دولت دخالتی داشته باشد. در حالی که در دوره مظفرالدین‌شاه که اوج‌گیری این آموزش مدرن بوده، نظام آموزشی نداشتیم و این آموزش و پرورش به صورت ملی و خصوصی به وسیله امثال رشديه بدون اراده حاکمیت و دولت ایجاد می‌شود. در قانون اساسی مشروطه و متمم قانون اساسی مشروطه اصلی در مورد زبان رسمی نداریم اصلاً پیش‌بینی در مورد زبان رسمی نشده اما هم



محمدعلی بهمنی‌قاجار

وکیل پایه یک دادگستری و پژوهشگر حقوق بین‌الملل

اصل ۱۵ قانون اساسی متأسفانه با مجموعه‌ای از ادعاها و تبلیغات قوم‌گرایانه در هم آمیخته و پیوند خورده اما اگر بخوایم اصل ۱۵ را در چهار چوب حقوقی بررسی کنیم و بعد با حقوق بین‌الملل انطباق بدهیم، حق آموزش زبان مادری که این افراد مدعی هستند، چیست؟ بهتر است که ابتدا خاستگاه حقوقی این اصل را مورد بررسی قرار بدهیم. یک مقررره حقوقی وقتی متولد می‌شود عمدتاً سه خاستگاه ممکن است داشته باشد؛ یا ناشی از پوزیتیویسم حقوقی و اراده حاکمیت یا بخش‌هایی از جامعه، نظر قوه مقننه بر آن تعلق بگیرد تا مقررره‌ای را وضع کند یا اینکه بر خاسته از حقوق طبیعی باشد و یا اجبار اجتماعی باعث می‌شود که یک بایندی که باید عرفی و فرهنگی بوده تبدیل به قانون شود. در مورد اصل ۱۵ بیشتر همان وضع‌گرایی یعنی اراده مجلس خبرگان قانون اساسی است که در سال ۵۸ بر این تعلق گرفت که اصل ۱۵ قانون اساسی را تدوین و تصویب کند و آزادی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی را لحاظ کند. ضمن اینکه البته این استثنائاتی است که بر اصل ۱۵ و آن اصل عامی که در مقررره اصل ۱۵ مورد اطلاق و تصریح قرار گرفته، رسمیت زبان و خط فارسی و اینکه کلیه اسناد و مکاتبات و کتب درسی باید با این زبان و خط باشند، است. پس اصل ۱۵ قانون اساسی در پی تصریح بر رسمیت زبان فارسی بوده و در کنار آن اراده مقنن بر این بوده که بر آزادی استفاده از زبان‌های محلی و قومی هم تصریح داشته باشد. حالا این اصل در چه خاستگاه فرهنگی هویتی تاریخی و سیاسی به وجود آمده، نیازمند آن است که چارچوب فرهنگی، تاریخی، سیاسی و حقوقی‌اش تفسیر شود. آنچه که در جامعه جهانی امروز بیش از پیش مورد تأکید است حفظ زبان‌های در معرض انقراض است. بدین معنا که بحث زبان محلی از منظر فرهنگی در سطح جهانی در چهار چوب حفظ زبان‌ها و لهجه‌ها و گویش‌های در معرض خطر و انقراض مهم است. بر این اساس آن